

شرط بازنگری قیمت در قراردادهای گازی «دریافت یا پرداخت» و حل و فصل اختلافات ناشی از آن

جعفر نوری یوشانلوئی*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نسیم برخی

دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۹/۲۶)

چکیده

قراردادهای عرضه گاز *take or pay* از انواع قراردادهای بلندمدت خرید و فروش گاز طبیعی است که ویژگی طولانی بودن مدت آن ناخواسته موجب تغییر قیمت قرارداد می‌شود. تغییر قیمت قرارداد نیز تعادل اقتصادی آن را بر هم می‌زند و تبعاً اجرای قرارداد را با مشکل مواجه می‌سازد. تغییر قیمت این قراردادها معمولاً از عوامل مختلفی ناشی می‌شود که آزادسازی بازارهای مصرف نهایی، انقلاب گاز شل، بحران‌های اقتصادی، جدایی و تفاوت قیمت نفت و گاز از مصادیق بارز آن است، لیکن حوادث ناگهانی بیش از سایر عوامل در تغییر قیمت قراردادهای *take or pay* مؤثر است. در مورد این‌گونه مشکلات قراردادی هم تاکنون راهکارهای حقوقی خاصی ارائه شده که تأکید بر تعیین دقیق قیمت گاز طبیعی یا پیش‌بینی مکانیسم‌های تعیین قیمت براساس مقیاس‌های مختلف برای پیشگیری از آن مشکلات به‌کار می‌رود و گنجانیدن شرط بازنگری در قیمت به‌عنوان *Exit Clause* هنگام امضای قرارداد نیز برای اصلاح آن مدنظر قرار می‌گیرد. اختلافات ناشی از تغییر قرارداد عرضه گاز طبیعی نیز در گذشته از طریق مذاکره و داوری تجاری حل و فصل می‌شد، اما در حقوق کنونی از داوری بازنگری قیمت استفاده می‌شود که مقاله حاضر به تحلیل آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی

تغییرات ناگهانی، داوری، شرط بازنگری قیمت، فروش گاز، قیمت‌گذاری.

۱. مقدمه

قراردادهای «دریافت یا پرداخت»^۱ از اقسام قراردادهای طولانی مدت عرضه گاز طبیعی است که خریدار گاز طبیعی را ملزم می‌کند تا مبیع را دریافت و ثمن مقرر آن را تأدیه کند یا اگر محصول را فروشنده در دسترس وی قرار داده است، خواه دریافت و برداشت کرده باشد یا نکرده باشد، قیمت آن را در حق فروشنده، کارسازی کند (Roberts, 2004: 45). در این قراردادها، فروشنده هزینه‌های سنگین استخراج، بهره‌برداری، تولید و تأمین تجهیزات لازم را به‌عهده دارد. در حقیقت زمانی که خریدار تقاضا می‌کند تا گاز را برای تحویل، ارسال کنند، این ریسک وجود دارد که خریدار از ایفای تعهدات قراردادی استنکاف کند و از سوی دیگر، فروشنده با ضرر بسیار سنگینی روبه‌رو شود (Riggacci, 2012: 4). از این رو با به‌کارگیری این قرارداد، در پی این هستند که بر این ریسک تقاضا چیره شوند. از آنجا که قراردادهای take or pay برای دوره ۱۵ تا ۲۰ ساله منعقد می‌شود، اغلب طرفین متوجه این امر هستند که اوضاع و احوال اقتصادی ممکن است به‌صورت شایان توجه و پیش‌بینی‌ناپذیر در طول دوره قراردادی تغییر کند. یکی از راه‌های مقابله با این معضل، تعیین قیمت قراردادی از طریق فرمول قیمت‌گذاری است. به‌علاوه، در این قراردادها معمولاً بازنگری فرمول قیمت‌گذاری از طریق شرط تجدیدنظر در قیمت پیش‌بینی می‌شود. با آنکه انواع مختلف این شرط در سراسر جهان به‌کار می‌رود، استفاده از این شرط در سال‌های اخیر در کشورهای اروپایی افزایش یافته و این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که چه راه‌حلی در صورت اختلاف طرفین در اصلاح و تعدیل قیمت قراردادی قابل ارائه است. به همین دلیل در این مقاله بدون اینکه وارد بحث مفهوم‌شناسی این قرارداد، مقایسه آن و امکان‌سنجی آن در نظام حقوقی ایران شویم و صرف‌نظر از شروط متفاوتی که در این قراردادها گنجانده می‌شود، به بررسی شرط تجدیدنظر در قیمت در قراردادهای take or pay و اسبابی که موجبات تغییر قیمت را فراهم می‌کند، پرداخته می‌شود. همچنین به این پرسش پاسخ داده می‌شود که در صورت اختلاف طرفین در اصلاح و تعدیل قیمت قراردادی چه راه‌حلی به‌کار می‌رود و داوری به‌کارگرفته‌شده در این فرایند چه ویژگی‌هایی دارد.

۲. قیمت‌گذاری گاز طبیعی

درباره مکانیزم قیمت‌گذاری و ساختار بازار گاز طبیعی نظریات متعددی وجود دارد. این مکانیزم در سه حالت انحصاری، رقابتی و چانه‌زنی قابل بررسی است. با اینکه در برخی کشورها رقابتی با نام رقابت گاز با گاز وجود دارد، اما قیمت گاز طبیعی علاوه بر این موضوع

1. Take or pay

شرط بازنگری قیمت در قراردادهای گازی «دریافت یا پرداخت» و حل و فصل اختلافات ناشی از آن ۱۴۳

در رقابت با سوخت‌های معادل و جانشین مانند نفت خام، فراورده‌های نفتی، زغال سنگ و... قیمت‌گذاری می‌شود (بهنام، ۱۳۸۴: ۵۶).

۲.۱. مکانیسم قیمت‌گذاری گاز طبیعی

دو مکانیسم عمده بر قیمت‌گذاری در قراردادهای بین‌المللی عرضه گاز طبیعی حاکم است. مکانیسم اول قیمت‌گذاری گاز برحسب قیمت نفت خام یا سبدي از نفت و فراورده‌های نفتی^۱ است که اغلب در قراردادهای واردات گاز توسط کشورهای منطقه آسیا-پاسفیک و قراردادهای بلندمدت واردات گاز از طریق خط لوله توسط کشورهای اروپایی استفاده می‌شود. مکانیسم دوم قیمت‌گذاری رقابت گاز با گاز^۲ است که به جداسازی قیمت گاز از قیمت نفت خام منجر شده و اغلب در آمریکا، هنری هاب و هاب گازی انگلستان استفاده می‌شود (دهوندی، ۱۳۹۱: ۵).

طی سال‌های اخیر، تحولات بازار انرژی و خارج از آن، به کنار گذاشتن مکانیسم قیمت‌گذاری گاز براساس قیمت نفت منجر شده و مکانیسم قیمت‌گذاری رقابتی جایگزین آن شده است که این مکانیسم در جای خود با روش‌های قیمت‌گذاری متفاوتی محقق می‌شود.

۲.۲. انواع روش‌های قیمت‌گذاری گاز طبیعی

روش‌های قیمت‌گذاری گاز طبیعی انواع مختلفی دارد که به شرح ذیل است.

۲.۲.۱. قیمت‌گذاری بر اساس هزینه^۳

در این روش قیمت‌گذاری براساس هزینه تمام‌شده گاز در سرچاه انجام می‌گیرد. در این روش ابتدا هزینه نهایی تولید محاسبه و سپس هزینه حمل و نقل تا سرمرز کشور واردکننده و همچنین حق ترانزیت کشورهای ثالث به آن اضافه می‌شود (Creti, A., Villeneuve, B, 2004: 10).

۲.۲.۲. قیمت‌گذاری بر اساس ارزش^۴

این مفهوم قیمت‌گذاری از دید اقتصاددانان مقبولیت بیشتری دارد. در این روش قیمت گاز در نقطه احتراق در ارتباط با هزینه بهترین سوخت جایگزین (به‌طور معمول تولیدات حاصل از تقطیر نفت خام) قرار می‌گیرد. قیمت نقطه احتراق می‌تواند به دلایل مختلف از جمله عدم اطمینان در استمرار عرضه کمتر از واقع برآورد شود و احتمال زیادی وجود دارد که به دلایل

-
1. Oil-Indexed Pricing Mechanism
 2. Gas-to-Gas Competition Pricing Mechanism
 3. Cost Based Pricing
 4. Value Based Pricing

تمیزتر بودن و سهولت بیشتر دسترسی به گاز نسبت به نفت کوره و سایر فراورده‌های میان تقطیر، قیمت تعیین شده بالاتر از قیمت نقطه احتراق تعیین گردد. مفهوم برابری قیمت در نقطه احتراق مبنایی برای بسیاری از مذاکرات در قراردادهای دهه ۱۹۷۰ بود (Moro.D, 2006: 17).

۳.۲.۲. قیمت‌گذاری براساس برابر سازی^۱

این مفهوم براساس این نگرش که «انرژی صرف‌نظر از هر شکلی انرژی است»، تعریف شده است. در این دیدگاه ارزش حرارتی هر حامل انرژی ارزش یکسان دارد، اعم از اینکه مربوط به فراورده‌های نفتی، گاز طبیعی یا هر منبع دیگر باشد.

۳.۲.۲. قیمت‌گذاری بر اساس معادل قیمت سر مرز^۲

بر اساس این مفهوم کلیه گاز وارداتی -صرف‌نظر از منبع عرضه‌کننده- در نقطه‌ای که وارد شبکه خط لوله می‌شود، دارای قیمت یکسانی خواهد بود (بهنام، ۱۳۸۴: ۵۶).

۳.۲. فرمول‌بندی‌های مختلف تعیین قیمت گاز طبیعی

فرمول قیمت‌گذاری در پی این است که در مقابل ریسک‌ها برای فروشنده و خریدار عکس‌العمل نشان دهد. شرایط بازار ممکن است طی ۱۰ یا ۱۵ سال اساساً تغییر کند و فرمولی که ممکن است ابتدائاً پاسخگو باشد، با مشکلات جدی و اساسی مواجه شود، به‌خصوص برای خریدار. به همین دلیل، مطلوب آن است که طرفین وسیله‌ای برای بازنگری و تدوین فرمولی دیگر برای تجدیدنظر در قیمت گاز در قرارداد خود لحاظ کنند. این موارد به شرح ذیل است:

الف) Price-Break Clauses مطابق این‌گونه شروط که در قسمت فرمول‌بندی قیمت گاز می‌آیند، هر ۳ تا ۵ سال یک بار از تاریخ اولین تحویل گاز، قیمت گاز بازنگری می‌شود. هر یک از طرفین با دلایل خاص خود می‌توانند اثبات کنند که قیمت گاز معمول، در پرتو شرایط فعلی بازار دیگر مناسب نیست. در صورتی که طرفین در خصوص بازنگری قیمت گاز به توافق نرسند، موضوع می‌تواند به یک متخصص یا داور ارجاع شود تا فرمول یا قیمت جدید را تعیین کند. از جمله منافع این‌گونه شروط آن است که به طرفین اجازه می‌دهد شروط مربوط به قیمت‌گذاری را در طول زمان و با توجه به شرایط تنظیم و تعدیل کنند و طرفین را از ریسک‌هایی که منافعتشان را در طولانی‌مدت به خطر می‌اندازد، برحذر دارد. اما از جمله

1. Parity Pricing
2. Equivalent Border Pricing

مضرات آن این است که معمولاً فوق‌العاده پیچیده‌اند و مذاکره بر سر آنها و رسیدن به توافق مشترک بسیار مشکل است (A. Creti, 2003: 5).

ب) Top stops: این شرط از جمله شروطی است که تأمین‌کننده منافع خریدار است تا فروشنده. زمانی که فروشنده دو عامل را برای قیمت‌گذاری گاز تعیین کرده است و بر مبنای بالاترین قیمت این دو نوع سوخت قیمت گاز تعیین می‌شود.

ج) Bottom stops: سال‌های قرارداد، سال‌های حیاتی برای فروشندگان گاز است، چراکه در این سال‌ها باید هزینه‌هایی را که انجام داده‌اند، جبران کنند. بنابراین در این سال‌ها آنها به کاهش قیمت گاز حساسیت زیادی نشان می‌دهند که این فرمول قیمت‌گذاری گاز می‌تواند کمک‌حال آنها در این زمینه باشد (Broadman, H. G, 2008: 22).

۲.۴. مقیاس‌های قیمت‌گذاری در قراردادهای عرضه گاز Take or Pay

ماده مربوط به قیمت در قراردادهای take or pay، از مشکل‌ترین موادی است که باید توسط دو طرف در طول مذاکره، مورد پذیرش واقع شود. طرفین در تعیین قیمت عرضه گاز ممکن است یک یا ترکیبی از دو مقیاس زیر را انتخاب کنند:

الف) مقیاس‌بندی کف در مورد مخارج معین: هدف قیمت کف یا پایه این است که فروشنده را در مقابل هر گونه کاهش در قیمت حمایت کند. از آنجا که قسمتی از قیمت که توسط فروشنده اکتساب می‌شود، مخارج معینی را پوشش می‌دهد، در این حالت توافق میان طرفین به وجود تعدیل برای پوشش دادن افزایش در این مخارج را تسریع می‌کند. وقتی که طرفین روی مخارج معینی توافق کردند، پیدا کردن و محاسبه افزایش در هر کدام از آنها مشکل نخواهد بود. برای مثال حق بیمه ممکن است ۵ درصد و دستمزد کارکنان ۸ درصد افزایش یابد. در این حالت افزایش متعدد در هر فقره محاسبه خواهد شد. در صورت جدایی از ارقام متعدد مخارج، طرفین نیز ممکن است توافق کنند که قیمت کف، طی زمان افزایش یابد.

ب) بررسی و تجدیدنظر دوره‌ای قیمت: در این حالت طرفین توافق می‌کنند که قیمت و پایه محاسبه آن را سالانه یا هر چند سال یک‌بار مورد بررسی مجدد قرار دهند. آنچه کشورهای تولیدکننده تمایل دارند در قراردادها مشاهده کنند، بازنگری منظم در قسمت‌های اقتصادی قرارداد است؛ بدین‌صورت که تغییرات در بازار انرژی به حساب آورده شود (Griffins, 2003:21).

۳. بازنگری قیمت در قراردادهای take or pay

انعقاد قرارداد، طرفین را به انجام مفاد آن پایبند می‌سازد. با وجود این، امروزه بحران‌های اقتصادی و پیدایش شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا می‌توان به استناد تغییر شرایط در زمان اجرا، خواستار بازنگری قیمت در قرارداد شد. بی‌تردید در جایی که طرفین به صورت شرط ضمن عقد این امر را پیش‌بینی کرده باشند، بحثی وجود نخواهد داشت (هرچند در این مورد تردیدهایی در مورد غرری بودن معامله مطرح شده است). مشکل مربوط به حالتی است که در قرارداد هیچ نوع تصمیمی در این مورد اتخاذ نشده باشد که در این صورت عارض شدن شرایطی که انجام تعهد را با صعوبت همراه می‌سازد (نه اینکه آن را غیرممکن گرداند)، موجب تحقق یکی از آثار احتمالی زیر است: بطلان، فسخ و بازنگری. از آنجا که در فرض مورد بحث امکان انجام قرارداد منتفی نشده است، نمی‌توان حکم به بطلان معامله کرد. فسخ از سوی متعهد و نیز با وجود امکان تعدیل و بازنگری منطقی به نظر نمی‌رسد، زیرا اولویت با حفظ و بقای قرارداد است. بنابراین می‌توان گفت بازنگری مناسب‌ترین راه در مواجهه با شرایط سخت قرارداد است (قزوینی، ۱۳۸۹: ۱۳۴)، همچنین بازنگری قیمت در قراردادهای Take or Pay لزوماً ارادی نبوده و بعضاً برای حفظ حقوق طرفین و اشخاص ثالث ضروری است. با این حال در این مقاله سعی شده است به فرضی پرداخته شود که بازنگری قیمت به صورت ارادی یا غیرارادی ضرورت می‌یابد و ابعاد مختلف این فرض بررسی می‌شود.

قراردادهای Take or Pay یکی از اقسام قراردادهای طولانی‌مدت عرضه گاز طبیعی^۱ محسوب می‌شوند. این امر می‌تواند هم در قالب شرط دریافت یا پرداخت^۲ به‌عنوان یکی از مفاد اساسی قراردادهای فروش گاز در نظر گرفته شود (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۹۰) و هم در قالب قراردادهای مستقل Take or Pay به‌عنوان یکی از قراردادهای عرضه گاز^۳ مطرح شود. اگر قراردادهای Take or pay به‌عنوان نمونه‌ای از قراردادهای خرید محصول^۴ در نظر گرفته شود، می‌توان آن را به‌عنوان یک قرارداد وابسته به قرارداد اصلی در نظر گرفت، ولی در فرضی که

1. Long term take or pay gas supply contract

۲. یکی از شروط دیگری که کارکردی شبیه شرط دریافت یا پرداخت دارد و در برخی موارد ممکن است جایگزین آن شود، شرط دریافت و پرداخت است. در شرط دریافت و پرداخت، خریدار در برابر فروشنده مکلف می‌شود، تا هم گاز تولیدشده را تحویل بگیرد و هم بابت آن پرداخت کند. حال اگر خریدار از تحویل گرفتن اجتناب کند، ناقض قرارداد شمرده می‌شود و لازم است به جبران خسارت بپردازد. این جبران در این حالت معمولاً برابر است با تفاوت قیمت بازاری گاز طبیعی که خریدار باید تحویل می‌گرفت و از تحویل آن خودداری کرده است. اما در شرط دریافت یا پرداخت چنانکه خواهد آمد، خریدار تکلیفی به قبض و دریافت ندارد و دریافت نکردن آن از سوی او نقض قرارداد شمرده می‌شود.

3. gas supply contract

4. Off_Take

به‌عنوان قرارداد GSPA به‌کار می‌رود، خود یک قرارداد مستقل عرضه گاز تلقی می‌شود. قراردادهای خرید و برداشت محصول روشی برای تضمین بازپرداخت وام پروژه است که برای عواید حاصل از پروژه منعقد می‌شود (ترابی، ۱۳۹۵: ۳۳) به‌طور کلی، دو نوع قرارداد در صنعت گاز وجود دارد: بنا به آنچه نامگذاری می‌کنیم، یکی قرارداد تهیه و تحویل گاز^۱ و دیگری قرارداد اختصاص میدان گاز به خریدار^۲ که قراردادهای Take or pay از قسم نخست است (علیخانی، ۱۳۸۷: ۲۹۸).

قراردادهای عرضه گاز به‌دلیل ماهیت طولانی‌مدتی که دارند، معمولاً دارای مکانیزمی برای بازنگری در قیمت گاز در فواصل زمانی مقررند. این امر بازنگری در قیمت قرارداد را به‌دلیل تغییرات قیمت گاز در طول دوره قرارداد عرضه گاز ممکن می‌سازد، درحالی‌که در گذشته اختلافات در خصوص تغییرات قیمت مقدمتاً مورد مذاکره قرار می‌گرفت تا در خصوص حل و فصل آن از طریق بازنگری تصمیم‌گیری شود (Ana Stanic, 2007: 35).

شرط بازنگری قیمت باید با توجه به مبنا و مفهوم تجاری آن مطالعه شود. این مبنا از یک طرف شامل تنش مابین ثبات قراردادی است و از طرف دیگر پاسخگویی به تغییرات (راهکارهای مقابله با تغییرات در حین اجرای قرارداد) را در برمی‌گیرد که قراردادهای take or pay برای تصمیم‌گیری به‌دنبال ایجاد آن است. در قراردادهای بلندمدت فروش گاز رضایت ضمنی در ساختار اقتصادی مدرن آن، بین احتیاج به ثبات قراردادی و احتیاج به پاسخگویی به تغییرات در حین اجرای قرارداد وجود دارد (M.Gaitis, 2015: 531).

تسهیل امنیت برنامه‌ریزی (حداقل اطمینان از فروش گاز در آینده) از طریق میسر کردن حداقل جریان گاز (فروش حداقلی گاز) و تضمین پرداخت در قبال آن گاز، ایجاد می‌شود. فروش حداقلی گاز می‌تواند برای تولیدکنندگان (و وام‌دهندگانشان یا تأمین‌مالی‌کنندگانشان) از این نظر مهم باشد که اطمینان حاصل کنند که سرمایه‌گذاری انجام‌گرفته در استخراج گاز و انتقال زیرساخت‌ها (فناوری)، قابل بازیابی است. تضمین حداقلی جریان گاز (فروش گاز) می‌تواند به سود خریداری که از تضمین تأمین گاز سود می‌برد نیز باشد. قراردادهای take or pay منعکس‌کننده وجود خریداری است که حداقل تضمینی برای خرید عادی (یا حداقلی) گاز است. در این قراردادها شرط بازبینی قیمت و شرط فورس‌ماژور این اجازه را می‌دهد که رابطه قراردادی طرفین با تعدیل منطبق شود (Op.tic, 2015: 532).

دومین عنصر از مبنای تجاری این شرط ماهیت بلندمدت روابط طرفین است. موافقت‌نامه‌های فروش گاز از نوع قراردادهای رابطه‌ای^۳ است که در برابر قراردادهای

-
1. Supply contract
 2. depletion contracts
 3. Relational

گسسته^۱ تقسیم می‌شود. قراردادهای ارتباطی در دسته قراردادهای طولانی مدت قرار می‌گیرد، ارتباطات گسترده طرفین و درگیری‌های شخصی در اجرای قرارداد و نیاز به همکاری برای اطمینان از موفقیت روابط بلندمدت طرفین از ویژگی‌های این نوع قراردادهاست (Uzezi Aziano, 2008:12). این قراردادها بر مبنای اعتماد بین طرفین استوار است. زمانی که اولین موافقت‌نامه‌های فروش گاز در اروپا امضا شد، بازار گاز طبیعی در اروپا به طور انحصاری با یک یا چند واردکننده گاز بود که با تولیدکنندگان گاز خارجی قرارداد امضا کرده و سپس گاز وارد شده را در بازارشان توزیع کردند. در نتیجه ساختار بازار گاز طبیعی به طور طبیعی فروشندگان و خریداران را به سمت قراردادهای ارتباطی و طولانی مدت سوق داد. در این نوع قراردادها فروشنده و خریدار معمولاً اختلافات خود را دوستانه حل و فصل می‌کنند تا بتوانند از رابطه کاری خود به خوبی محافظت کنند. بنابراین ماهیت قراردادهای طولانی مدت عرضه گاز take or pay می‌تواند این امر را توضیح دهد که چرا قریب به اتفاق شروط بازنگری قیمت از طریق مذاکره حل و فصل شده و وارد مرحله داوری نشده است. البته پروسه داوری می‌تواند به عنوان اهرم فشار در مذاکرات تجاری استفاده شود. همچنین می‌تواند به عنوان راهی برای خروج از بن‌بست قراردادی به کار رود (Jensen, 2008: 30).

۴. اسباب تغییر قیمت در قراردادهای Take or pay

همانند سایر قراردادهای طولانی مدت در قراردادهای take or pay هم ممکن است قیمت تعیین شده، در اثر عوامل مختلفی تغییر پیدا کند. عوامل تغییر قیمت نیز می‌تواند مصادیق گوناگون داشته باشد، لیکن حوادث ناگهانی بیش از سایر عوامل در تغییر قیمت قراردادهای take or pay مؤثر است. در سال‌های اخیر در اروپا حوادثی رخ داده که اسباب تغییر قیمت در قراردادهای take or pay را فراهم کرده است؛ از جمله آزادسازی بازارهای مصرف نهایی، انقلاب گاز شل، بحران‌های اقتصادی، جدایی و تفاوت قیمت نفت و گاز که این موارد را می‌توان به عنوان مصادیقی از حوادث ناگهانی برشمرد (A. Rogers, 2015: 44).

فرمول قیمت‌گذاری در این قراردادها بازتاب کمی و عددی از توافق طرفین در مورد رابطه بین قیمت گاز و محصولات نفتی در زمان مذاکره قراردادهای take or pay است. از آنجا که رابطه بین قیمت گاز و قیمت محصولات نفتی ممکن است در طول مدت قرارداد تغییر یابد، طرفین توافق می‌کنند که اگر شرایط خاص از قبل تعیین شده اتفاق افتاد، بتوانند فرمول قیمت‌گذاری را بازنگری و اصلاح کنند. این مسئله موجب می‌شود قیمت گاز با توجه به

تغییرات قیمت محصولات نفتی، اصلاح و به‌روزرسانی شود که این فرایند نوعی بالانس کردن یا همتراز کردن است (حاجیان، ۱۳۹۵: ۸۵).

درحالی‌که شرط بازنگری مجدد قیمت از قراردادی به قرارداد دیگر متفاوت است، آنها معمولاً یک عنصر ثابت و یک عنصر شاخص‌گذاری شده دارند، که اجازه نوسان قیمت را در طول دوره قرارداد می‌دهد. عنصر ثابت (که گاهی به صورت PO نشان داده می‌شود)، نشان‌دهنده قیمت در زمان انعقاد قرارداد است یا اگر طرفین قبلاً در قیمت تجدیدنظر کرده‌اند، نشان‌دهنده قیمت جدید مورد توافق است. عنصر شاخص‌گذاری شده معمولاً فرمولی است که به تغییرات قیمت محصولات خاص نفتی گره خورده است (Oladotun, 2008: 3).

تحت قراردادهای عرضه بلندمدت گاز *take or pay*، خریدار هر سال برای دریافت و پرداخت یا پرداخت اگر دریافت صورت نگیرد، به‌طور معمول چیزی بین ۸۰ تا ۹۰ درصد از حجم گاز سالانه قراردادی را دریافت می‌کند، یعنی چیزی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد ضریب ریسک برای خریدار در نظر گرفته می‌شود. این میزان ریسک با فروش مقادیر مقرر شده در قرارداد در بازار نهایی^۱ تخصیص می‌یابد که ریسک مقدار^۲ نامیده می‌شود و تا حد زیادی توسط خریدار پیش‌بینی می‌شود. در مقابل خریدار در برابر ریسک قیمت رو به پایین در بازار نهایی شرط بازنگری مجدد قیمت را در قرارداد می‌گنجاند (Op.tic, 2008: 2). برای مثال، می‌توان شرط زیر را شرط معمول از شرط بازنگری مجدد قیمت دانست:

اگر اوضاع و احوال از کنترل طرفین خارج شود، به‌طوری‌که تغییرات زیادی در مقایسه با مفروضات اساسی در مورد شروط و مقررات عمومی قیمت صورت گیرد، هر کدام از طرفین این حق را خواهند داشت که اصلاح و تعدیل قیمت را بخواهند. مقررات در خصوص قیمت باید در هر مورد این امکان را فراهم کند که به‌طور اقتصادی براساس عملیات بازاریابی در بازار به فروش برسد. هر طرف مجاز به درخواست بازنگری مجدد قیمت است که برای بار اول از تاریخ yy/mm/dd مؤثر است و پس از آن هر سه سال یک بار هر طرف باید اطلاعات لازم را برای اثبات ادعای خود فراهم کند.

برای اینکه ادعای تجدیدنظر در قیمت قرارداد _ اگر شرط بازنگری مجدد قیمت مانند نمونه بالا باشد _ پذیرفته شود، باید ۱. وضعیتی رخ دهد که خارج از کنترل فرد باشد؛ ۲. تغییرات شایان توجهی در قیمت‌های پیش‌بینی شده صورت گیرد؛ ۳. فرمول قیمت برای انعکاس چنین تغییراتی نیازمند تجدیدنظر باشد (Holland, 2016: 34).

تغییراتی که پایه و اساس تجدیدنظر در قیمت را تشکیل می‌دهند اغلب به‌عنوان محرک^۱ یا تغییرات ناگهانی^۲ شناخته می‌شوند.

به‌منظور توجیه تجدیدنظر در قیمت، حوادث ناگهانی مرتبط باید به‌طور معمول در طول یک دوره خاص زمانی رخ دهد که به‌طور کلی سه سال است. چنین دوره‌ای معمولاً دوره^۳ ارجاع^۳ یا دوره^۳ بازنگری مجدد قیمت^۴ نامیده می‌شود (Groom Malcolm, 2012: 11).

با این حال، در قراردادهای عرضه گاز^۵ لازم نیست حوادث ناگهانی رخ دهد، در چنین قراردادهایی طرفین حق دارند که در دوره‌های زمانی خاصی تجدیدنظر در قیمت را درخواست کنند (مثلاً هر سه سال)، به‌شرط اینکه در خصوص قیمت جدید قراردادی توافق کنند. حتی اگر چنین مکانیزمی در موارد خاص مناسب باشد، امروزه در اکثریت قریب به اتفاق قراردادهای عرضه گاز take or pay لازم است که تغییرات اوضاع و احوال در دوره^۳ ارجاع رخ دهد تا بتوان تجدیدنظر در قیمت را توجیه کرد (Holland, 2016: 37).

بنابراین، موارد ذیل باید در روند بازنگری قیمت مورد توجه قرار گیرد:

اولاً) شرط بازنگری قیمت در دو مرحله انجام می‌گیرد. در ابتدا، طرف متقاضی بازنگری قیمت باید اثبات کند که عناصر (دلایل) ایجادشده برای بازنگری قیمت قانع‌کننده است. تنها در صورتی که عوامل ایجادشده برای بازنگری قیمت سبب تأثیر بر ارزش گاز در بازار مصرف نهایی شود، مرحله دوم، یعنی فرایند بازنگری قیمت‌ها آغاز و قیمت اصلاح خواهد شد. مکانیزم اصلاح فرمول قیمت‌گذاری به‌صورت جزئی در شرط مشخص نمی‌شود. آنچه پیش‌بینی شده این است که فرمول قیمت‌گذاری باید با توجه به تأثیر تغییرات مهم ارزش گاز که توسط یک شرکت گازی کارآمد در بازار مصرف نهایی خریدار گاز براساس موافقت‌نامه خرید گاز ایجاد می‌شود، اصلاح شود (Ana Stanie, 2007: 329).

ثانیاً) دلایل و مبنای بازنگری قیمت عینی‌اند. اولین جمله به حوادث خارج از کنترل طرفین اشاره دارد نه اتفاق‌هایی که بر جایگاه اقتصادی یکی از طرفین اثر می‌گذارد (مانند شرط عسر و حرج در قراردادها). دومین جمله به حوادثی اشاره دارد که بر ارزش گاز تأثیر دارد و توسط یک اپراتور محتاط و کارآمد در بازار مصرف نهایی خریدار ایجاد می‌شود تا اینکه توسط خریدار در رابطه با تأمین (عرضه) گاز براساس قرارداد باشد. به این ترتیب، این امر که قیمت

-
1. Triggers
 2. Trigger event
 3. Reference period
 4. Price review period
 5. Gas supply contract

گاز در قرارداد take or pay، برای یکی از طرفین به لحاظ اقتصادی سنگین باشد، نمی‌تواند مبنایی برای بازنگری در قیمت باشد.

ثالثاً) بازنگری قیمت ممکن است توسط هر یک از طرفین در بازه زمانی عادی از طریق ارسال اخطار (اظهارنامه) درخواست شود (معمولاً هر سه سال). به علاوه موافقت‌نامه‌های جدید فروش گاز یک طرف را قادر می‌سازد که بازنگری قیمت خاص را به دفعات مشخص در طول مدت قرارداد درخواست کند، به شرطی که بتواند ثابت کند که مبنای دلایل بازنگری قیمت حادث شده است و تغییرات مهمی را که در بازارهای گاز ناشی از آزادسازی بازار گاز اتحادیه اروپا توسط کمیسیون اروپایی ایجاد می‌شود، کنترل و تنظیم کند (Op.tic, 2007: 331).

۵. حوزه‌های مورد اختلاف در بازنگری قیمت در قراردادهای take or pay

در پی درخواست بازنگری مجدد قیمت، طرفین باید با یکدیگر ملاقات کرده و بررسی کنند که آیا اصلاح و تعدیل مقررات قیمت عادلانه است. در صورت عدم توافق ظرف ۱۲۰ روز هر کدام از طرفین می‌تواند موضوع را به داوری ارجاع دهد (با توجه به مقررات داوری قرارداد) (Holland, 2016: 34). تا زمانی که توافق صورت نگیرد یا داور اتخاذ تصمیم نکند، کلیه حقوق و تعهدات قرارداد از جمله مقررات قیمت برای طرفین لازم‌الاجراست و بدون تغییر باقی خواهد ماند. پس این امر حائز اهمیت است که طرفین ملزم به مذاکره و در صورت لزوم ارجاع به داوری هستند. هنگام درخواست یکی از طرفین برای بازبینی قیمت، طرفین باید مذاکرات را شروع کنند تا اطمینان حاصل کنند که آیا شرایط بازنگری قیمت‌ها برآورده شده است یا خیر؟ و اگر چنین باشد، قیمت را اصلاح کنند. اگر هیچ توافقی در مدت تعیین شده (معمولاً بین ۶۰ تا ۱۲۰ روز از زمان درخواست) بین طرفین حاصل نشود، این اصلاح قیمت از طریق داوری انجام می‌گیرد (Ana stanie, 2007: 331).

حوزه‌های بالقوه زیادی برای ارجاع اختلافات به داوری‌های بازنگری مجدد قیمت وجود دارد. همه مسائل می‌تواند به صورت بالقوه توسط طرفین مورد مناقشه قرار گیرد. با توجه به محرمانه بودن داوری و حساسیت ترتیبات توافق در مورد قیمت جدید در جایی که به داوری منجر می‌شود، بخش عمده‌ای از ترتیبات داوری در این مورد هرگز دامنه عمومی پیدا نمی‌کند. به علاوه همان‌گونه که اشاره شد، شروط بازنگری مجدد قیمت تفاوت‌های عمده‌ای دارند، به همین دلیل دشوار است که نتایج یک داوری خاص را به قراردادهای دیگر تعمیم دهیم. با این حال به دلیل تکرار مکرر اختلافات در مورد حوادث ناگهانی می‌توان گفت که این عنصر بسیار مورد مناقشه است (Gaitis, 2015: 530). در ذیل به برخی از استدلال‌ات و موقعیت‌هایی که اخیراً در داوری بازنگری مجدد قیمت دیده شده است، اشاره می‌شود.

۵.۱. شروع و پایان دوره ارجاع

اگر به‌وضوح در موافقت‌نامه‌ها به این امر اشاره نشود، نقطه شروع دوره ارجاع اغلب مورد اختلاف است. بنابراین می‌توان هر کدام از موارد زیر را به‌عنوان نقطه شروع در نظر گرفت: ۱. تاریخ آخرین درخواست برای بازنگری مجدد قیمت، ۲. تاریخی که قیمت فعلی مورد توافق گرفته است، یا ۳. تاریخی که قیمت فعلی لازم‌الاجرا شده است.

نقطه شروع دوره ارجاع به‌طور بالقوه می‌تواند بسیار متفاوت باشد، به‌خصوص اگر قیمت قابل اجرای قرارداد در پی درخواست بازنگری مجدد قیمت تعیین شود. به‌طور کلی می‌توان گفت که دوره ارجاع با تسلیم درخواست تجدیدنظر در قیمت پایان می‌یابد و حادثه ناگهانی که به درخواست منجر می‌شود، باید قبل از ارائه چنین درخواستی به‌وقوع بپیوندد. با این حال خریداران اغلب استدلال می‌کنند که آثار حادثه ناگهانی، مربوط به قبل از ارائه درخواست است، حتی اگر آنها قبل از ارائه درخواست اتفاق افتاده باشند (S.Scot.Gaille, 2009: 29).

۵.۲. زمان وقوع تغییرات یا حوادث ناگهانی

تغییرات معمولاً زمانی به‌حساب می‌آیند که در دوره ارجاع اتفاق افتاده باشند. زمان دقیق وقوع آنها معمولاً مورد اختلاف است. برای مثال اگر خط لوله جدیدی ساخته شود که موجب شود عرضه گاز در بازار افزایش یابد، می‌توان ادعا کرد که این تغییر حداقل در دو نقطه زمانی مختلف اتفاق افتاده است: ۱. زمانی که خط لوله به جریان می‌افتد، ۲. زمانی که در اثر ایجاد خطوط لوله جدید قیمت بازار گاز کاهش می‌یابد.

طرفی که به‌دنبال تجدیدنظر در قیمت است، استدلال می‌کند که حادثه ناگهانی در دوره ارجاع روی داده است و در مقابل طرف دیگر استدلال مخالف می‌کند (Griffin, 2010: 19).

۵.۳. موقتی یا دائمی بودن تغییرات

مطلب دیگری که بسیار مورد اختلاف است، این است که آیا تغییراتی که تجدیدنظر در قیمت را توجیه می‌کند، موقتی است یا دائمی. همچنین چیزی که اغلب مورد مناقشه است، اختلاف‌نظر در مورد معنای موقتی^۱ و طولانی‌مدت^۲ است. برای فهم این موضوع که تغییر ماهیتاً موقتی است یا دائمی، معمولاً این سؤال پرسیده می‌شود که اگر تغییر ادامه داشته باشد، بر قیمت جدید قرارداد تأثیر می‌گذارد یا خیر. اگر چنین باشد، می‌توان گفت که چنین تغییری مؤثر است، وگرنه نمی‌توان آن را تغییری دانست که مؤثر در قابلیت تجدیدنظر باشد. از این رو خریدار ریسک کاهش قیمت را بر عهده می‌گیرد (s.scot.Gaille, 2009: 32).

1. Temporary
2. Long_term

۵.۴. تعدد حوادث ناگهانی یکسان

در شرایطی که داورهای بازنگری مجدد قیمت بین اشخاص یکسان تحت قرارداد یکسان تکرار می‌شود، مسئله رایج مورد اختلاف این است که آیا یک رویداد ناگهانی که یک بار به تجدیدنظر در قیمت منجر و استفاده شده است، می‌تواند مجدداً توجیهی برای تجدیدنظر در قیمت جدید باشد؟ دو موقعیت می‌تواند به ایجاد چنین شرایطی منجر شود: اول اینکه، حادثه ناگهانی مجدداً تکرار شود؛ دوم اینکه، حادثه ناگهانی ادامه پیدا کند، به طوری که در دوره ارجاع بعدی هم اثرگذار باشد و روی قیمت جدید قرارداد تأثیر بگذارد.

مورد اول مورد مجادله نیست، حادثه ناگهانی یکسان می‌تواند مجدداً اتفاق بیفتد و موجب تجدیدنظر در قیمت جدید شود. اما در مورد وضعیت دوم فروشندگان احتمالاً این‌گونه استدلال می‌کنند که ۱. قرارداد مورد اختلاف تصریح می‌کند که یک حادثه / تغییر باید در دوره ارجاع مربوطه اتفاق بیفتد و اثر حادثه قبلی نمی‌تواند حادثه‌ای را در خودش شکل دهد؛ ۲. در هر حادثه‌ای، آثار حادثه ناگهانی (قبلی) در نظر گرفته می‌شود، زمانی که طرفین یا محکمه قیمت فعلی قرارداد را تعیین می‌کند (Holland, 2016: 33).

۶. تفاوت داوری بازنگری قیمت گاز طبیعی با داوری‌های تجاری

در حالی که داوری‌های بازنگری قیمت گاز از زیرمجموعه‌های داوری‌های تجاری است و در نتیجه بعضی از ویژگی‌های داوری‌های تجاری را داراست، در برخی جنبه‌ها با آن کاملاً متفاوت است. مهم‌ترین تفاوت کلیدی آن توجه بیشتر به ماهیت تجاری موضوع است تا ماهیت حقوقی آن. البته این تفاوت‌ها منحصر به موارد گفته شده نیست، برای مثال مسائل مربوط به زمان‌بندی و محتوای بازنگری‌ها و اشتباهات موضوعی مورد بحث قرار نگرفته است. با توجه به شیوع و اهمیت تجاری این اختلافات، شناسایی تفاوت داوری بازنگری قیمت گاز از انواع دیگر حائز اهمیت است. در این بخش این تفاوت‌ها بررسی می‌شود. همان‌طور که در ذیل توضیح داده می‌شود، این تفاوت‌ها اغلب به دلیل ماهیت خاص این اختلافات است.

۶.۱. ماهیت متفاوت اختلاف

برای انجام این داوری‌ها، داوران نفت و گاز نقش متفاوتی با داوری‌های معمول تجاری دارند. اولاً- در این داوری‌ها، داوران باید علاوه بر زمینه‌های قانونی، زمینه‌های تجاری را نیز مدنظر داشته باشند. به عبارت دیگر، باید از جنبه‌های تجاری اختلاف آگاهی داشته باشند. قراردادهای خرید و فروش گاز قراردادهای چندجانبه‌اند که طرفین می‌خواهند رابطه تجاری خود را به مدت طولانی با یکدیگر حفظ کنند. بنابراین هیأت داوری باید تلاش کند راه‌حلی که برای هر دو

طرف قابل قبول است و از لحاظ اقتصادی برای طرفین پایدار و مناسب باشد، بیابد یا پیشنهاد کند. در این زمینه هیأت داورى همزمان باید رویه‌ها و زمینه‌های مختلف قراردادهای خرید فروش گاز را با قانون‌های حاکم در این زمینه در نظر بگیرد.

ثانیاً- داوران باید حداقل اصول اولیه قیمت‌گذاری گاز و نقش آن را در زمینه موردنظر خود درک کنند. داوران تجاری باید توانایی ارزیابی شواهد واقعی پیچیده و اعمال این شواهد براساس اصول حقوقی و قانونی را داشته باشند. اما این توانایی در داورى‌های بررسی قیمت گاز کمتر مورد توجه است و به‌ندرت شواهد قابل انطباق با مسائل حقوقی وجود دارد (اگرچه، این داورى‌ها اغلب دارای مسائل تفسیر قراردادی هستند). اگر هیأت داورى نتواند یا توانایی تنظیم راه‌حلی برای تعیین روش بازنگری قیمت را نداشته باشد، ممکن است به نتایج غیرقابل قبول تجاری و... منجر شود.

ثالثاً- با توجه به موارد ذکرشده داوران باید روش داوریشان را در داورى‌های مرتبط با بازنگری قیمت گاز تغییر دهند یا منطبق کنند. به‌طور خاص، با توجه به نیاز به یافتن یک راه‌حل تجاری که برای هر دو طرف قابل قبول باشد، بهترین داوران اغلب در این اختلافات کمتر از منظر قانونی و بیشتر از جنبه تجاری به موضوع می‌نگرند که این امر بیشتر از داورى‌های تجاری است، زیرا آنها در داورى‌ها به مسائل قانونی نیز توجه بسیار بیشتری دارند (Mehren, 2014: 91).

۲.۶. نقش کارشناسان تجاری در هیأت داورى

کارشناسان معمولاً در هیأت‌های داورى تجاری استفاده می‌شوند. در بیشتر پرونده‌ها، در خصوص میزان خسارت مثل پرونده‌های سلب مالکیت یا جایی که استانداردهای تجاری مورد سؤال واقع می‌شوند، گواهی کارشناسان ملاک قرار می‌گیرد. در این موارد اگرچه نقش کارشناس بسیار پراهمیت است، کارشناسان در هیأت‌های داورى نقش اصلی را ندارند، زیرا هیأت‌های داورى با مسائل حقوقی و تجاری روبه‌رو هستند و صرف گواهی یا نظر کارشناسی برای صدور رأی کافی نیست. برای مثال گواهی یا نظر کارشناسی در خصوص میزان خسارت زمانی احتیاج است که ابتدا هیأت داورى براساس اصول حقوقی نقض را اثبات کند و بعد از آن برای تعیین میزان خسارت به کارشناس رجوع نماید. اما در هیأت‌های داورى بازنگری قیمت این‌گونه نیست، بلکه ماهیت تجاری این‌گونه پرونده‌ها موجب می‌شود که کارشناسان نقش اصلی را در هیأت داورى داشته باشند و گواهی یا نظرهای آنها ملاک اصلی صدور رأی جهت حل اختلاف است (Gibson, 2014: 118).

۳.۶. شرط محرمانگی

محرمانگی از شرایط اساسی داوریهی بین‌المللی است. به عبارت دیگر داوریهی به صورت خصوصی برگزار می‌شود و صرفاً طرفین در آن درگیرند و تنها آنها حق حضور در جلسات و دسترسی به اسناد پرونده و رأی داوریهی را دارند. در مقابل در دادگاه این‌گونه نیست و محرمانگی آن تابع شرایط خاصی است. اما محرمانگی در داوریهی بازنگری قیمت حتی مهم‌تر از محرمانگی در داوریهی تجاری معمول است، زیرا قیمت قرارداد از مهم‌ترین بخش‌های قرارداد در صنعت نفت و گاز است (Pinsolle, 2014: 46-71).

۴.۶. نگاه به آینده

در داوریهی تجاری عادی و حتی دادگاه‌ها صرفاً به موضوعات قبل از شکایت یا نقض رسیدگی می‌کنند و به آینده هیچ‌نگاهی ندارند. در مقابل در هیأت‌های داوریهی بازنگری قیمت نه تنها به موضوعات گذشته می‌پردازند، بلکه باید نگاهی به آینده داشته باشند و فرمول قیمت‌گذاری آینده را نیز تعیین کنند (Mildon, 2014: 134).

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به ماهیت طولانی‌مدت قراردادهای خرید و فروش گاز و روابط طولانی بین طرفین آن، انتخاب قالب قراردادی‌ای که بتواند این نیاز را به بهترین نحو پوشش دهد، ضروری است. از آنجا که قراردادهای take or pay از نوع قراردادهای رابطه‌ای^۱ است که بر اعتماد بین طرفین استوار است، می‌تواند بهترین گزینه برای برآورده کردن این نیاز باشد. در این قراردادها طرفین معمولاً اختلافات خود را دوستانه حل و فصل می‌کنند و با گنجاندن شرط بازنگری در قیمت، تعادل اقتصادی قرارداد را در طولانی‌مدت حفظ می‌کنند. طی سال‌ها، شرط بازنگری مجدد قیمت عنصر اساسی در قراردادهای طولانی‌مدت عرضه take or pay بوده است که این امر بخش مهمی از ترتیبات تخصیص ریسک بین خریدار و فروشنده است. در شرط بازنگری در قیمت با توجه به ماهیت این نوع قرارداد اصولاً طریق مذاکره پیش‌بینی شده است. بسیاری از شروط تجدیدنظر در قیمت اغلب به صورت اختیاری استفاده می‌شود و نیازمند تفسیر بازرگانی و قانونی است. تفسیر این شرط از موضوعات بسیار مورد اهمیت است، زیرا بسیاری از خریداران و فروشندگان گاز درگیر مذاکره و داوریهی قیمت گاز می‌شوند.

در سال‌های اخیر حوادثی در اروپا رخ داده که موجب ایجاد تغییراتی در محیط اقتصادی قرارداد و بروز اختلافات بین طرفین شده است. از جمله آزادسازی بازارهای مصرف، انقلاب

گاز شل، بحران‌های اقتصادی، جدایی و تفاوت قیمت نفت و گاز و چالش‌هایی که گاز پروم روسیه با آن مواجه شده است. در نتیجه طرفین برای حل و فصل اختلافات خود، از شرط داوری (پس از طی مرحله مذاکره) به‌عنوان اهرم فشار در مذاکرات و خروج از بن‌بست قراردادی استفاده می‌کنند. داوری بازنگری مجدد قیمت با داوری‌های تجاری رایج تفاوت‌هایی دارد، اما این تفاوت‌ها سبب نمی‌شود که عمل داوران تحت عناوین دیگر شناخته شود و آنها را داوری ندانیم، بلکه بیشتر این تفاوت‌ها به دلیل ماهیت خاص اختلافات پیش‌آمده است. متوسل شدن طرفین به داوری به‌عنوان وسیله‌ای برای بررسی و بازنگری قیمت در قراردادهای take or pay فرصتی را برای وکلا و کارشناسان گاز فراهم کرده است که به تجزیه و تحلیل دامنه و اثربخشی شرط بازنگری قیمت بپردازند و به این شرط به‌عنوان وسیله‌ای برای تعدیل شرایط قراردادی متوسل شوند. در واقع گنجاندن این شرط از دید اقتصادی توجیه‌پذیر است، زیرا در صورتی که به دلیل از بین رفتن تعادل اقتصادی قرارداد اجرای آن برای یکی از طرفین ناممکن شود، موجب ورود خسارت زیادی به طرفین قرارداد خواهد شد. تا زمانی که شاخصی همانند شاخص هنری هاب در بازارهای گاز توسعه پیدا کند و فراگیر شود، قیمت گاز همچنان با توجه به شاخص‌های قیمت نفت تعیین می‌شود و در نتیجه نیاز به شرط بازنگری قیمت وجود خواهد داشت. از طرفی پروسه بازنگری در قیمت مملو از عدم قطعیت‌هاست و همین امر لزوم تفسیر و شفاف‌سازی این شرط را آشکار می‌کند و به ارجاع اختلافات به داوری تجدیدنظر در قیمت گاز منجر می‌شود که می‌تواند به‌عنوان راهی برای خروج از بن‌بست قراردادی استفاده شود.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، سید نصرالله؛ دانایی، کیمیا (۱۳۹۵). «بررسی اعتبار و کارایی شرط دریافت یا پرداخت در قراردادهای فروش ال ان جی»، نشریه مطالعات حقوق انرژی، دوره ۲، ش ۲.
۲. شهریار، بهنام (۱۳۸۴). بررسی قیمت‌گذاری گاز طبیعی صادراتی ایران در قراردادهای بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۳. ترابی، فروغ (۱۳۹۵). بررسی حقوقی قراردادهای تأمین مالی طرح‌محور پالایشگاهی با تأکید بر پالایشگاه‌های ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۴. دهنوی، جلال (تیر و مرداد ۱۳۹۱). «پیش‌بینی مکانیسم قیمت‌گذاری گاز طبیعی با نگاهی به تحولات اخیر بازار گاز»، اقتصاد انرژی، ش ۱۵۱ و ۱۵۲.
۵. علوی قزوینی، سید علی (۱۳۸۹). «بازنگری در مفاد قرارداد»، مجله فقه و حقوق اسلامی، ش ۱.
۶. علیخانی، محمد (۱۳۸۷). «بررسی وضعیت حقوقی مبیع و ثمن در قراردادهای بین‌المللی فروش گاز»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وششم، ش ۴۰.

۷. حاجیان، مهدی؛ موسوی، میترا (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی شرط تعهد به دریافت در قراردادهای فروش و انتقال گاز»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم، ش شانزدهم.

ب) خارجی

8. A. Creti, B. Villeneuve (2003). *Long Term Contracts and Take or Pay Clauses in Natural Gas Markets*, University of Toulouse
9. Adegun K. A (2011). *Take or Pay contracts as investment drivers for gas development projects in developing countries: are there co pilots?*, Centre for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy Annual Review, University of Dundee, London.
10. A. Rogers, D. Phua (2015). *Re-examining the Take-or-Pay Obligation in LNG Sale and Purchase Agreements*, King and Splading Energy Newsletter.
11. Ana Stanie and Graham Weale (2007). Changes in the European Gas Market and Price Review Arbitrations, 25 *J. Energy Nat. Resources L*.
12. Barton, J. H (2011). " The Economic Basis of Damages for Breach of Contract," *Journal of Legal Studies*.
13. Broadman, H. G. and Toman, M. A (2008). " Non-Price Provisions in Long-Term Natural Gas Contracts," *Resources for the Future*, Washington
14. Creti, A., Villeneuve, B (2004). *Long-term contracts and take-or-pay clauses in natural gas markets*, Energy Studies Review.
15. Colm Gibson, Boaz Moselle (2014). 'The role of an expert in price review arbitrations', in *Gas Price Arbitrations*
16. David Mildon (2014). 'The adjustment phase', in *Gas Price Arbitrations*, (ed. Mark Levy)
17. Griffin, Paul & Herbert Smith (2011). *Transnational Gas Projects and their Agreements in Natural Gas Agreements*, ed. Martyn R. David, Sweet & Maxwell, London.
18. Griffins, P (2003) Changing Markets and Contracts of the LNG Business", *Journal of Energy & Natural Resources Law*.
19. Groom Malcolm (2012). The Problems of Short-term Gas Contracts, *Oi and Gas Law and Taxation Review*
20. George von Mehren (2014). 'The Arbitrator's Role', in *Gas Price Arbitrations* (ed. Mark Levy).
21. Holland (2016). Enforceability of Take - or - Pay Provisions in English Law Contracts", *Journal of Energy and Natural Resource Law*.
22. James M. Gaitis (2015). the leading practitioners guide to international oil and gas arbitration, JurisNet LLC
23. Jensen, James, T (2008). "Global LNG Markets - The Challenge In Meeting Forecast Growth, a Presentation to The Eleventh Annual Flame Conference", *LNG Summit*, Amsterdam.
24. Oladotun, Ayeni (2008). M & J Polymers LTD V. Imerys Mineral Limited: "Can Take or Pay Clauses in Gas Contract Be Considered A Contractual Penalty?", *Tulsa Law Review*.
25. Philippe Pinsolle (2014). 'Confidentiality in gas price reviews', in *Gas Price Arbitrations*, (ed. Mark Levy).
26. Polkinghorne, Michael (2013). *Take or Pay Conditions in Gas Supply Agreement*, White & Case, Paris Energy Series.
27. Rigacci Gomero, Carlos (2012). *Should Take or Pay Payments Be subject to Royalties? Assessing the effects of Take or pay Provision on the Relationship Between the State and Producer*", *Journal of Energy and Natural Resources Law*.
28. S. Scott Gaille (2009). "The Use of Quantity Terms to Improve Efficiency and Stability in International Gas Sales and Purchase Agreements", *Energy Law Journal*.
29. Uzezi Azaino, Efe (2008). "Natural GAS Contracts: Do Take or Pay Clauses Fall Foul of the Rule Against Penalties?", *Official Gazette, Ministry of Mining and Energy*, 5-13.
30. Roberts, Peter (2004). *Gas Sales and Gas Transportation Agreements: Principles and Practice*, Sweet and Maxwell, London.